

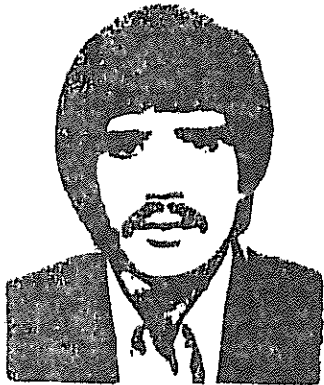
رفيق ابو الفضل صالحى ( علي )

# اعدام قاضیستی دو رفیق کمونیست



در سحر گاه روز جمعه نه مرداد هزار و سیصدوشصت ، جنایتکاران جمهوری اسلامی بدستور موسوی تبریزی جلاد دو تن از بهترین رفقای سازمان در تبریز را به جوخه ی اعدام سپردند . رفقا منوچهر دست نبوغ ( مرتضی ) و ابوالفضل صالحی مرزبجرائی ( علی ) که در تاریخ ؟ تیر ماه پیش در حین پخش اعلامیه و نشریه سازمان دستگیر شده بودند به " اتهام " قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی تیر باران شدند تا کفتاران خون آشام ارتجاع به حکومت ننگینشان ادامه دهند . رفیق منوچهر دانشجو سال آخر فلسفه دانشگاه تبریز و رفیق ابوالفضل نیز دانشجو سال سوم همان دانشگاه بود . ما شرح زندگی و فعالیت مبارزاتی رفقا را در شماره های آینده منعکس خواهیم ساخت . باشد که خون پاکشان برجم سرخ سوسیالیسم و آزادی را بر افراشته تر سازد .  
یادشان گرامی

- 1-منوچهر دست نبوغ دانشجوی سال آخر فلسفه دانشگاه تبریز
  - 2-ابوالفضل صالحی مرزبجرائی دانشجوی سال سوم فلسفه دانشگاه تبریز
- هر دو حین پخش نشریه ی سازمان دستگیر شده و به حکم موسوی تبریزی در تاریخ 9 مرداد 1360 در تبریز اعدام شدند . من تا آنجا که یادم هست سازمان مطلبی از قول پزشکی که اجساد را دیده بود نقل کرد حاکی از آنکه در بدن هر دو آثار شکنجه های فراوان - قیل از اعدام - بوضوح دیده میشده تا جاییکه هیچ استخوان سالمی در بدن آنها وجود نداشته است . من این مسئله را مطمئنم که خوانده ام ولی نمیدانم در رهایی یا نشریه داخلی ، ولی در صحت آن تردیدی ندارم . یاد هر دویشان و دیگر رفقا که - باور کن - گاهی گریه ام میاندازد - بخیر و گرامی . علی



## گرامی باد خاطره رفقای کمونیست

رفیق ابوالفضل حاجی در سال ۱۳۳۷ در اراک متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۵۵ وارد مدرسه عالی رادیو و تلویزیون گشت. رفیق بعد از یکسال در یافت که محیط تحصیلاتش برای گسترش فعالیت مبارزاتی اش مناسب نیست. بهمین علت مجدداً در آموزش دانشگاهی شرکت کرده و وارد دانشگاه تبریز گشت. رفیق ابوالفضل پس از مدتی فعالیت در پیشگام تبریز به همراه رفیق منوچهر دسنیو و عده‌ای دیگری از رفقای تشکیلات "هواداران سازمان وحدت کمونیستی" در تبریز یزرا پیروزی کرد. وی پس از مدتی وظیفه‌ای انتقالی نشریات و اعلامیه‌های سازمان به کردستان را بعهده گرفت و در یکی از همین سفرها بوسیله‌ای چند پیشمرکه‌ی دموکرات که ملیس به لباسهای پاسداری بودند همراه با مدها نشریه و اعلامیه‌ی سازمان دستگیر شد. رفیق که فکر میکرد توسط سپاه پاسداران ارتجاع دستگیر شده است به چنان دفاع جانانه‌ای از اعتقادات خود و سازمان سپاه پرداخت، که پیشمرگان را به تجلیل واداشت.

پس از تعطیل شدن دانشگاهها توسط ارتجاع رفیق همچنان در تبریز به فعالیت مبارزاتی خویش ادامه داد و مدتی نیز رابط تشکیلاتی بسا زنجان بود و ضمناً مسئولیت یک حانده تیمی چاپی نیز بعهده‌ی وی بود.

بالاخره رفیق در تاریخ ۶۰/۴/۹ به همراه رفیق هم‌رزمش منوچهر دستگیر شد و یکماه به بند یعنی در سحرگاه روز ۶۰/۵/۹ سینه‌اش توسط رگبار گلوله‌های جنایتکاران جمهوری اسلامی سوراخ شد و خون پاکش به همراه خون مدها کمونیست دیگر در راه سوسیالیسم و آزادی بزمین ریخت.

رفیق منوچهر دسنیو در سال ۱۳۳۲ در شهرستان خوی متولد شد و پس از مدتی همراه با خانواده به صدان نقل مکان کرد. پس از گذراندن دوران دبیرستان در سال ۱۳۵۴ وارد دانشگاه تبریز شد و در رشته‌ی فلسفه به تحصیل پرداخت.

رفیق که در اواخر تحصیلات دبیرستانی خویش به تدریس به علل فقر و نابسا سانیهای اجتماعی که در آن زندگی میکرد پی میبرد، با ورود به دانشگاه و پیوستن به جنبش دانشجویی، کمونیسم را چراغ راهنمای خویش قرار داد و از آن پس تمام توان خویش را در راه رهایی زحمتکشان و سوسیالیسم بکار گرفت. رفیق منوچهر پس از تحلیلی موقت دانشگاهها در آبان ۵۷ به همیدان مراجعت نمود و به شرکت و سازماندهی تظاهرات اعتراضات آمیز علیه رژیم خائن پهلوی پرداخت. پس از قیام و بازگشایی مجدد دانشگاهها

رفیق به پیشگام تبریز پیوست و پس از مدتها فعالیت در بخش انتشاراتی پیشگام تبریز، به همراه عده‌ای دیگری از رفقا، با خارج شدن از تشکیلات پیشگام، تشکیلات "هواداران سازمان وحدت کمونیستی" در تبریز را بسیان نهادند. از آن پس

رفیق با تعمیق و گسترش آگاهی خویش در انتقالی آن از هیچ کوششی فروگذار نکرد و یکدم از مبارزات باز نایستاد. وی رابط تشکیلاتی سازمان در ارومیه بود و بخشی از کارهای چاپ و تکثیر اعلامیه‌های سازمان در تبریز نیز بعهده‌ی وی بود

رفیق یکبار نیز در سال پیش به اتفاق رفیق دیگری در تبریز دستگیر شده بود که با هشیاری انقلابی بعد از ۱۵ روز از زندان آزاد شد.

بالاخره رفیق در کنار رفیق هم‌رزمش ابوالفضل در تاریخ ۶۰/۴/۹ دستگیر و در سحرگاه ۶۰/۵/۹ استوار و سربلند سرب‌داغ را پذیرا گشت و ایستاده در راه آرمانش شهیدت رسید.

دژخیمان اسلامی سرمایه‌داری باید بدانند که ما با خون منوچهرها و ابوالفضلها میثاق بسته‌ایم که راه آنها را تا برقراری سوسیالیسم و رهایی زحمتکشان ادامه دهیم و در این راه استواری گامهای این رفقا و مدها کمونیست بخون غلطیده‌ی دیگر را رهنمود خویش قرار میدهیم و شک نیست که بزودی انتقامشان را از تمام جانان خون آشام باز خواهیم ستاند.

راهشان پر رهرو و یادشان گرامی باد

# گستارا انقلابیون بدون جواب نخواهد ماند

# به یاد ابوالفضل و منوچهر

رفقا منوچهر دستنبو و ابوالفضل صالحی روز ۱ تیر، به هنگام پخش اعلامیه سازمان در باره ی شهادت رفیق سعید سلطانپور، در تبریز بدست پاسداران ظلم و جهل اسیر شدند و پنج هفته بعد خبر اعدامشان در روزی نامه های رزق به چاپ رسید. در رهاگی ۹۲ شرح کوتاهی داشتیم از زندگی و مبارزات این دو رفیق. آنچه در زیر میخوانید گزارشی است از وضعیت شهادت رفیق دستنبو که وحشیگری غیر قابل تصور جلادان خصمنی را بطوری نشان میدهد، وحشیگرهایی که مطابق قوا های خود خصمی انجام میدهد.

میرند که استخوان کتف او نیز شکسته شده و شکاف در محل شکستگی مشخص است. علاوه بر این سه انگشت یکی از دستهای رفیق نیز بریده و از کف دست جدا شده بود. تنها جای گلوله ای که در حس مشاهده شد در دهان وی بود. معلوم بود که گلوله ای را به داخل دهان رفیق شلیک کرده اند که در اثر آن یک طرف صورتش از هم پاشیده شده و زناش از ناحیه گردن بیرون زده بود. خانوادۀ رفیق ابوالفضل طیقم مراجعات مکرر به دادگاه انقلاب، هنوز موفق به دریافت جسد نشده اند. به احتمال قریب به یقین وضع رفیق ابوالفضل از رفیق منوچهر بدتر بوده است.



رفقا منوچهر دستنبو و ابوالفضل صالحی، دو تن از رفقای سازمان ما، در روز ۱۰/۴/۶۰ به هنگام پخش اعلامیه در تبریز دستگیر میشوند. خانوادۀ ایشان که بدنبال دستگیری آنها اکثر کمیته ها و سپاه و دادگاه انقلاب را به خاطر پیدا کردن فرزندانشان گشته بودند، کویکسرسن آثری از آنها نیافتند. خانوادۀ ها به هر کمیته ای که مراجعه میکردند جواب میندند که ما چنین کسی را در اینجا نداریم. بالاخره نام رفقا را در روز نامه های ۱۴ مرداد نوشتند و اعلام کردند که اعدام شده اند. روزنامه کیهان خبر را با عنوان ۳۷ قاجاقین در تبریز اعدام شدند چاپ کرده و فقط در متن خبر نام دو رفیق را آورده بود. بدنبال همین خبر، و با یک روز تأخیر، خانوادۀ ها برای دریافت جسد ها به دادگاه مراجعه میکنند. مسئولین دادگاه جواب میدهند که به وادی رحمت ((گو رستان تبریز)) مراجعه کنید. خانوادۀ دستنبو به گورستان رفته و تقاضای استرداد جسد را میکنند تا آنرا به شهر خودشان ببرند. مسئولین اظهار میدارند که ما چهار روز این جسد ها را در سردخانه نگه داشتیم و ۹ روز است که آنها را بخاک سپرده ایم. خانوادۀ ها روزنامه را نشان میدهند و میگویند شما در این تاریخ ((۱۴ مرداد)) اساسی را اعلام کرده اید و از آن تاریخ سه روز میگذرد. ما چه از نظر قانون و چه از نظر شرع مجازیم که نیش قهر کنیم. بالاخره بعد از صحبت فراوان خانوادۀ ی رفیق دستنبو موفق میشوند که اجازه نیش قبر را از دادستان بگیرند. پس از نیش قبر متوجه میشوند که جسد رفیق را بدون شناسنامه و کفن کردن با پراهنی که به تن داشته در نایلونی پیچیده و در قبر گذاشته اند. پس از آنکه نایلون را باز میکنند تا جسد را مشاهده عینی کرده و آنرا در نایلون نیشی پیچند متوجه میشوند که جای گلوله ای در بدن وجود ندارد و پاهای رفیق منوچهر را روی سینه اش قرار داده اند. خانوادۀ ی رفیق متوجه میشوند که دو پای او را از ناحیه ساق و چند جای دیگر شکسته و باز پیچیده

کتر از ده روز پس از شهادت رفقا دستنبو و صالحی، مردوران رژیم در جلای ۱۸ مرداد مجلس خود در خصوص "بهرترین شیوه های شکنجه و اعدام بحث میکردند. در حالیکه تنها از ۳۰ مرداد تا ۱۸ مرداد بیش از ۵۰۰ تن مبارز انقلابی در شکنجه گاهها یا در مدانهای تیر رژیم شهید شده بودند. مرتبوی به نام عباسی به اربابان خود یادآوری کرد که اگر دست و پایی کسی را ببرید او را در خیابان بیندازید ((میدانید)) چه اثر قاطعی خواهد داشت. و جلاد موسوی تبریزی با قاطعیت اظهار نظر کرد که امروز بهترین راه مبارزها ضد انقلاب، به صلاحدید همه حکام شرع اعدام است. تنها در ۸۰ روز گذشته نزدیک به ۱۶۰۰ مبارز انقلابی اعدام شده اند. جلادان خصمنی دستبند پاهای بسیاری را شکسته و بیجا بریده اند و آنترسیگار خود را بر بدنهای بسیاری خاموش کرده اند. اما پروازهای همه روزه مردوران ریز و درشت رژیم به لقالله بهترین گواه است. بهترین پسر اینک هیچ یک از این وحشیگرها اثر قاطعی نداشته و نخواهد داشت. ریسان الهی پیوسته ای که خصمنی و حکومتش به آن چنگ زده اند در حال از هم گسستن است. روزمرگ این حکومت ظلم و فساد و جهل در نخواهد بود. اگر چه منوچهر و ابوالفضل در آنروز در کنار ما نخواهند بود، اما یادشان هرگز از خاطرمان نخواهد رفت. ما راه این دو رفیق و هزاران کمنیت دیگر را که در سراسر جهان برای برقراری آزادی و عدالت اجتماعی، برای برقراری سوسیالیسم جان فدا کرده اند ادامه خواهیم داد.